

سلطه مردان و آزارهای خیابانی زنان

کتایون مصری*

چکیده

اطلاعات قابل دسترسی از افزایش آزارهای خیابانی زنان خبر می‌دهند. مرور تیترا ۱۶۰ صفحه از صفحات حوادث روزنامه‌های ایران، اعتماد و جام‌جم در سال‌های ۹۵ و ۹۶ نشان می‌دهد که اخبار آزار خیابانی افزایش حدود ۱۲ درصدی داشته است. آزارهای خیابانی که خود ناشی از هژمونی مردانه در فضای شهری است تأثیراتی بر کیفیت زندگی زنان دارد که احساس ناامنی مهم‌ترین آن است. هدف این پژوهش علاوه بر تبیین افزایش آزارهای خیابانی، بررسی پیامدهای آن است. ریشه‌یابی این آزارها علیه زنان نشان می‌دهد که خانواده و آموزش‌های دوران کودکی، الگوبرداری از گروه‌های مرجع و جامعه‌پذیری آزارگران در بروز این آسیب‌ها مؤثر است. در این مقاله دیدگاه فمینیست‌ها در تحلیل ماهوی رفتار آزارگران بررسی خواهد شد که نشان می‌دهد نظام مردسالار که زن را «دیگری» تلقی می‌کند منشأ بروز رفتارهای سلطه‌گرانه مردان است. این آزارها ناشی از ضعف فرهنگ عمومی و مانور قدرت مردانه در جامعه است که در کلان‌شهرها با توجه به تعدد خرده‌فرهنگ‌ها و پنهان ماندن هویت آزارگران بیشتر دیده می‌شود. همچنین ساختار کلان‌شهرهایی مانند تهران نیز در تشدید سلطه مردان و وخامت ناامنی زنان بی‌تأثیر نیست. در این مقاله با استفاده از رویکرد تحلیلی و توصیفی و نیز روش‌های اسنادی و مصاحبه با ۱۵ زن ۲۲ تا ۵۰ سال به جمع‌آوری داده‌ها پرداخته‌ایم.

خلاصه یافته‌ها حاکی از آن است که آزارهای خیابانی نه تنها به بروز ترس و بدبینی زنان منجر می‌شود، که عاملی برای کاهش مشارکت اجتماعی آنان، تخریب هویت جنسیتی و اتهام‌زنی به زنان در فضای عمومی است. به نظر می‌رسد آزارهای جنسی در فضای عمومی تابع سلطه مردان بر حریم خصوصی زنان است.

کلیدواژه‌ها

آزار خیابانی، سلطه مردانه، جنسیت، کیفیت زندگی

مقدمه

کوچه‌های تنگ و بدون نور، ایستگاه‌های پرت و خلوت، پایانه‌های نیمه‌تعطیل، پل‌هایی با پله‌های نامتوازن و تاریک که کارتن‌خواب‌ها در گوشه‌ای از آن چرت می‌زنند، بوستان‌های بدون چرغ و پرسه‌ساقی‌ها در آن و... تصویری از خیابان‌های کلان‌شهرهای ما در ابتدای شب است.

تقریباً در تمام دنیا زنان نسبت به مردان امنیت کمتری دارند. کلان‌شهرهای ایران از جمله تهران نیز، بنا بر ویژگی‌های مشابه با شهرهای بزرگ دنیا، شرایط مخاطره‌آمیز و تهدیدات امنیتی بیشتری برای زنان دارند. در شهرهای بزرگ کشورهای در حال توسعه به دلیل تراکم جمعیتی بالا، در کنار فقر خدمات و تسهیلات شهری و سطح پایین زندگی مردم شهرنشین به‌خصوص در محلات فقیر و حاشیه شهرها، زمینه بروز و ظهور انواع آسیب‌ها و خشونت‌ها افزایش یافته است. یکی از این آسیب‌ها که در تمام کشورها، به‌ویژه کشورهای در حال توسعه روند روبه‌رشدی دارد، «آزارهای خیابانی» است که معمولاً بر زنان اعمال می‌شود. در این مقاله، با ارائه تعریف دقیقی از آزارهای خیابانی، در بخش‌های جداگانه به بیان تجربه زیسته زنان از این آزارها می‌پردازیم و علل آن را از منظر دیدگاه‌های فمینیستی بررسی می‌کنیم. در بخش بعدی به تحلیل پیامدها و اثر این آزارها بر کیفیت زندگی زنان در شهرهای بزرگ می‌پردازیم. نقد خالص سیاست‌های بازدارنده و قوانین پیشگیری از آزارهای خیابانی از بخش‌های دیگر این مقاله است.

نبود امنیت در فضاهای شهری و حتی احساس آن به‌صورت بالقوه و بالفعل تابع عوامل متعددی است که یکی از مهم‌ترین آنها آزارهای خیابانی است. این آزارها علاوه بر تمام آثار و پیامدهای منفی که کیفیت زندگی فردی زنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، باعث کم‌رنگ شدن تدریجی نقش اجتماعی آنان می‌شود (فرهت و اعتصامی، ۱۳۹۵: ۱۸۹).

بسیاری از اخبار مربوط به آزارهای خیابانی هرازگاهی در رسانه‌ها بازتاب وسیعی پیدا می‌کنند و بعد از مدت

کوتاهی به فراموشی سپرده می‌شوند. مرور ۱۶۰ صفحه از صفحات حوادث سه روزنامه ایران، اعتماد و جام‌جم که بخش‌های ویژه‌ای را به اخبار حوادث اختصاص داده‌اند در سال‌های ۹۵ و ۹۶ نشان می‌دهد که انتشار اخبار خشونت‌آمیز علیه زنان - که بیرون از فضای داخلی و غالباً در خیابان‌ها روی داده - با رشد ۱۲ تا ۱۵ درصدی روبه‌رو بوده است. در این بررسی طی سال‌های ذکرشده، صفحات حوادث ۴۰ شماره از روزنامه ایران، ۲۰ شماره از روزنامه اعتماد و همین تعداد از روزنامه جام‌جم از چهار فصل سال انتخاب و بررسی شد و اخبار مرتبط با آزارهای خیابانی مورد شمارش قرار گرفت، طی این ۸۰ شماره، تعداد ۲۵ خبر آزار خیابانی در سال ۹۶ به ۲۹ عنوان خبر افزایش یافته است.

این میزان افزایش اخبار اعمال خشونت در خیابان‌ها که معمولاً به آدم‌ربایی، تجاوز و قتل زنان منتهی شده است، می‌تواند معلول سیاست نیروی انتظامی در سال‌های اخیر باشد که اخبار این آزارها را بیش از گذشته در اختیار خبرنگاران قرار می‌دهد. این اخبار در بیشتر موارد آزارهایی را شامل می‌شود که جنبه کیفری یافته و به آدم‌ربایی، قتل و تجاوز به عنف منجر شده است. اما بسیاری از آزارهای خیابانی که مصادیق آن مورد بررسی قرار می‌گیرد، افشا نمی‌شود که البته آثار منفی خود را بر زنان بر جای می‌گذارد. مصداق بارز این ادعا، آمار رسمی قوه قضاییه است که به‌تازگی اعلام کرده طی چند سال اخیر مزاحمت و تعرض خیابانی به زنان رشد ۹۸ درصدی داشته است (فخری، ۱۳۹۶). این آمار اگرچه فقط به تهران اختصاص ندارد و کلان‌شهرهای دیگر را نیز دربرمی‌گیرد، اما به‌طور قطع سهم پایتخت از این آسیب‌ها کم نیست. بر اساس پژوهشی در سال ۱۳۸۹، در شهر مشهد، مشخص شد که ۷۵/۸ درصد زنان در این شهر مذهبی، در طول شش ماه منتهی به پژوهش، حداقل یک بار تجربه آزاردهنده بوق زدن و چراغ دادن رانندگان را داشته‌اند. حدود ۸۴ درصد هم در معرض نگاه خیره جنس مخالف و متلک‌پرانی قرار گرفته‌اند. همچنین ۸۵ درصد تجربه تعقیب شدن را داشته‌اند و ۵۶ درصد نیز با اصرار برای دادن یا گرفتن شماره تلفن

روبه‌رو شده‌اند (روزنامه شهروند، ۱۳۹۶/۱۱/۲). البته اینها بخشی از آزارهای خیابانی است که در بسیاری از شهرها روندی عادی به خود گرفته است و کمتر کسی به پیگیری قضایی و حقوقی و شکایت از آزارگران می‌پردازد، چرا که هنوز بسیاری از قربانیان آزارهای خیابانی و حتی آزارگران با این آسیب آشنا نیستند و از جرم‌انگاری آن در قوانین بی‌اطلاع‌اند. همچنین آمار دقیق و موثقی از میزان رواج آزارهای خیابانی زنان حتی میزان تعدی و تجاوز به عرف موجود نیست و معاونت پیشگیری از وقوع جرم و آسیب‌های اجتماعی قوه قضاییه اعلام کرده که هیچ مرکزی برای رصد، جمع‌آوری و پردازش آمار جرایم و آسیب‌های شهری در کشور وجود ندارد. اما برخی منابع رسانه‌ای خبر می‌دهند که وسعت و میزان آزارها علیه زنان در تهران بیش از سایر کلان‌شهرهای کشور است، چرا که یک‌سوم مجموع جرایم ملی در پایتخت انجام می‌شود (باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۳۹۶/۱۰/۱۹).

ارائه تعریفی دقیق از آزارهای خیابانی دشوار است. برخلاف آزارهای جنسی^۱ که تعاریف متعددی دارد، آزارهای خیابانی بیشتر با مصادیقش شناخته می‌شود که تابع تجربیات مختلف زنان است. اگر آزار خیابانی را نوعی آزار جنسی در فضای عمومی تلقی کنیم، می‌توانیم بگوییم آزار خیابانی هم هر گونه عمل شنیعی با ماهیت جنسی است که در آن فرد یا افرادی با تعرض به شخصیت یک نفر، از طریق ارباب و بهره‌گیری با زور و اجبار، خواستار دریافت التفات جنسی می‌شوند یا با توسل به آزار کلامی (و حتی غیر کلامی) به تحقیر جنسیتی می‌پردازند (Paludi and Barickman, 1991:2-5). در واقع، آزار خیابانی رفتاری است که به سبب جنسیت زنان از سوی مردان غریبه بر آنها تحمیل می‌شود. این رفتارها شامل سوت زدن، به زبان آوردن اصوات نامفهوم و واژه‌های رکیک، چشمک زدن، لمس دست و سایر اعضای بدن زنان، تحقیر و مسخره کردن آنان، پیشنهادهای بی‌شرمانه، تهدید به خشونت‌های جنسی، ضرب و شتم در فضای عمومی و تجاوز به عرف است (Bowman, 1993:529). در حالی که موارد آخر بیشتر رسانه‌ای می‌شوند، بخش عمده‌ای از آزارهای خیابانی

زنان که شامل موارد خفیف‌تر هستند هرگز رسانه‌ای نمی‌شوند.

سازمان ملل متحد، با توجه به افزایش ناامنی‌های شهری و آزار و اذیت زنان در خیابان‌ها، در سال ۲۰۱۰ به تشریح ویژگی‌های فضای عمومی امن برای زنان پرداخته است:

- فضایی که زنان و دختران بتوانند بدون ترس از حمله، تعدی و تجاوز در آن تردد و زندگی کنند.

- فضایی که خشونت علیه زنان در خیابان‌ها و حتی خانه‌های آن انجام نشود.

- فضایی که در آن از تبعیض اثری نباشد و حقوق اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی زنان تضمین شود.

- فضایی که در آن دولت حقوق انسانی همه مردم را بدون در نظر گرفتن زن و مرد تأمین و تضمین کند.

- فضایی که در آن دولت و حکومت محلی برای ایجاد شرایط حفاظت از زنان و دختران و تنبیه آزارگران جنسی اقدام کنند.

- فضایی که در آن دولت و حکومت محلی دست‌یابی زنان و دختران به عدالت را تضمین کنند (به نقل از قاضی نژاد، ۱۳۹۴: ۱۳۹).

آزار زنان در فضاهای عمومی یکی از مهم‌ترین عواملی است که موجب خدشه‌دار شدن امنیت شهروندان و تحقق فضای امن مورد نظر سازمان ملل متحد می‌شود. در ایران نیز پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که در فضاهای عمومی، به دلیل ساختار شهرها، رفتارهای فردی و جمعی مردان و فرهنگ محله‌های مختلف، امنیت زنان تأمین نمی‌شود. همچنین احساس امنیت عمومی در شهروندان تهرانی چندان زیاد نیست و دوسوم شهروندان تهرانی مورد مطالعه از نظر احساس امنیت در حد متوسط قرار می‌گیرند (قاضی نژاد، ۱۳۹۴).

داده‌های پیمایش بررسی وضعیت امنیت روانی-اجتماعی زنان جوان (۱۸ تا ۲۹ ساله) در شهر تهران در سال ۸۵ نشان می‌دهد که فقط عده کمی از آنان دارای احساس امنیت بوده‌اند. شرایطی مانند هراس از حضور در ساعات آخر شب در خیابان، ترس از تنها ماندن در مکان‌هایی

1- sexual harassment

مانند پارک، ترس از رانندگان ماشین‌های شخصی یا ترس از صحبت با مردان غریبه برای زنان تجربه‌ای ناخوشایند بوده است. به‌علاوه، زنان مورد مطالعه گفته‌اند که با انواع آزارهای کلامی مثل متلک و کلمات زشت روبه‌رو بوده‌اند. همچنین افرادی خواسته‌اند با ماشین یا موتور آنها را بترسانند. علاوه بر این، زنان مواردی مانند زیر نگاه خیره مردان بودن، مسخره شدن، با پیشنهاد و تقاضای نامعقول مواجه شدن و حتی دست‌درازی‌های جسمی و جنسی را مطرح کرده‌اند. نکته مهم این است که زنان با هر پوشش و آرایشی در فضای عمومی با این آزارها روبه‌رو می‌شوند (قرایی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۸). ریشه اصلی ترس و اضطراب زنان و احساس ناامنی آنان در فضاهای عمومی شهری، عنصر جنسیت زنانه و غلبه آن بر هویت مدنی و انسانی زنان در ذهنیت عمومی جامعه است. این ذهنیت زن را متعلق به حریم خصوصی می‌داند و فضای عمومی را قلمرو مردانه تلقی می‌کند. از این رو، جنس مذکر به خود حق می‌دهد تا در حریمش بر دیگری (زن) غلبه کند یا او را مورد تحقیر قرار دهد. این برساخته اجتماعی، در شرایط خلأ جرم‌انگاری تعرض به زنان در اماکن عمومی یا نبود ضمانت اجرایی برای قوانین موجود، موجب می‌شود حضور امن و آرام زنان در عرصه‌های عمومی به دلیل ضعف نظارت‌های قانونی و رسمی، به‌خصوص در شهرهای بزرگ، با آزارهای خیابانی مردان تهدید شود.

مسئله آزارهای خیابانی در کشور ما هنوز چندان مورد توجه پژوهشگران قرار نگرفته است. مقاله حاضر با توجه به روند صعودی آزارهای خیابانی در کشور ما و تأثیر آن بر کیفیت فردی و اجتماعی زندگی، در پی تحلیل آزارهای خیابانی زنان در چارچوب نگرش سلطه مردانه در فضای عمومی و یافتن راهی برای زنان در خروج از هژمونی مردانه اماکن عمومی است.

۱- روش تحقیق

رویکرد این پژوهش تحلیلی و توصیفی است و برای گردآوری اطلاعات از روش اسنادی و کتابخانه‌ای استفاده شده است. برای به‌روزرسانی و انطباق بیشتر داده‌ها با واقعیت نیز از روش مصاحبه بهره گرفته شده است.

برای این منظور با ۱۵ زن و دختر ۲۲ تا ۵۰ ساله که در میانشان هم افراد متأهل و هم مجرد حضور داشتند و نیمی از آنان دارای مدرک تحصیلی لیسانس بودند، گفت‌وگو شد. آنان تجربیات شخصی‌شان را از آزارهای خیابانی بیان کردند.

۲- آزار خیابانی، تحلیل مسئله‌ای اجتماعی

بحث آزار جنسی از دهه ۷۰ میلادی با تحقیقی درباره زنان شاغل در محیط‌های تجاری مورد توجه قرار گرفت. در سال ۱۹۷۶ نتایج تحقیقی انتشار یافت که بر اساس آن آزارهای جنسی بر زنان شاغل جنبه فراگیر داشت. در این پژوهش که روی ۹ هزار کارمند زن حرفه‌ای و غیرحرفه‌ای انجام شده بود ۹۲ درصد زنان در جامعه مورد مطالعه یک بار یا بیشتر به‌طور ناخواسته آزار در محیط کار را تجربه کرده بودند. زنان معمولاً آزارهای جنسی را که بیشتر در محیط‌های کاری روی می‌دهد، پنهان می‌کنند. در کل زنان از بیان بزه‌دیدگی خود اکراه دارند، ولی تا سال‌ها از تبعات آن رنج می‌برند و این بزه هزینه اجتماعی و روانی زیادی برای زنان دارد. به‌عبارتی، تألی فاسد این آزارها بر زنان بیشتر است (روح‌الامین و شاطری پوراصفهان‌ی، ۱۳۸۴: ۱۱۷۳). حتی وقتی زنان در خیابان با آزارهای کلامی یا رفتاری روبه‌رو می‌شوند کمتر تمایل به اعتراض و علنی کردن آزاردیدگی خود دارند و ترجیح می‌دهند برای جلوگیری از تکرار آن آزار محیط را ترک کنند یا به جایی پناه ببرند. گفت‌وگو با زنان نشان می‌دهد که بسیاری از آنها ترس از آبرو را علت این پنهان‌کاری عنوان می‌کنند. نرگس چ. که ۳۲ ساله و کارمند بانک خصوصی است درباره تجربه آزارش می‌گوید:

«خیلی پیش آمده. شاید هر روز برای خودم اتفاق افتاده یا یک زن دیگر را دیده‌ام که برایش مزاحمت ایجاد کرده‌اند. آخرین بار چند روز قبل از عید بود. خرید کرده بودم و در ازدحام پیاده‌رو داشتم برمی‌گشتم منزل. یک‌دفعه احساس کردم دستی به پشتم خورد. فکر کردم کیف دستی خانم پشت‌سری‌ام است. اعتنا نکردم و

به مسیرم ادامه دادم، ولی باز چیزی به پشتم خورد. سریع برگشتم. دیدم مردی تنومند پشت سرم است که با سکوت من دوباره کارش را تکرار کرده. از شدت عصبانیت و ترس صورتم داغ شده بود. قدم‌هایم را تند کردم و از او فاصله گرفتم، ولی تا خود خانه قلبم تند می‌زد.»

ترس و اضطراب از مواردی است که مانع عکس‌العمل فوری زنان در برابر آزارگر خیابانی می‌شود. بیشتر زنان معتقدند اگر در موقعیت مشابه قرار بگیرند، واکنش تندی به آزارگر نشان می‌دهند، در حالی که عده‌ای می‌گویند اگر داد و بیداد کنند چه‌بسا جامعه تقصیر را به گردن آنان بیندازد. آتوسا ع. که ۲۲ ساله است و دانشجوی می‌گوید:

«یک روز صبح زود، در ایستگاه مترو دانشگاه شریف، یک پسر جوان بهم گیر داد و نزدیک شد تا شماره تلفن بدهد. یک دفعه داد زدم: چته؟ برو گم شو. ولی چندتا خانم مسن چپ‌چپ نگاهم کردند که یعنی: مگه مجبوری این قدر آرایش کنی تا بهت گیر بدن؟!»

یکی از مشکلات زنان در مواجهه با آزارگران خیابانی ترس از واکنش طرف مقابل است. گاهی برخی آزارگران برای شانه خالی کردن از اتهام آزار به انکار و فحاشی دست می‌زنند. مریم م. که ۴۳ ساله و خانه‌دار است و به گفته خودش همیشه ظاهر آراسته‌ای دارد، می‌گوید:

«برای اینکه به مدرسه دخترم برسم، مجبور شدم سوار تاکسی شوم. یک سمند زردرنگ بود. وسط راه، آقای سوار شد و من که وسط نشسته بودم یک دفعه دیدم دستی آرام دارد پهلویم را لمس می‌کند. سریع خودم را کنار کشیدم و با صدای بلند به مرد گفتم: می‌شه مثل آدم بشینی؟ یک دفعه راننده و همه مسافرها به مرد خیره شدند. مرد مزاحم که دست‌وپایش را گم کرده بود با عربده به من گفت: چته زنیکه؟! مثل اینکه حالت خوب نیست! اینجا بود که دیدم اگر ادامه بدهم خودم را خراب کرده‌ام.

به همین دلیل سریع پیاده شدم و تا مدرسه گریه کردم.»

اینها نمونه‌های دیگری از آزار خیابانی در کلان‌شهرها به‌ویژه تهران است؛ مواردی که زنان در مصاحبه بر اساس تجربه‌هایشان گفته‌اند. آنها همگی بر این نکته اجماع دارند که آزارها نوعی مانور قدرت مردان در خیابان‌هاست که با هدف لذت‌جویی و نیز تحقیر زنان صورت می‌گیرد:

«وقتی از کنارم رد شد فحش بدی داد که از خجالت آب شدم.»

«دستش را کشید روی صورتم. از ترس داشتم قبض روح می‌شدم.»

«دست راننده مسافرکش آرام به سمت پایم آمد و آن را لمس کرد.»

«وقتی از کنارشان رد شدم جوک رکیکی تعریف می‌کرد که آن را بلندبلند می‌گفت و بقیه می‌خندیدند.»

«اول چراغ زد، بعد رد شد و نگه داشت. بعد دنده عقب آمد و بهم نزدیک شد. اصرار داشت سوار شوم.»

«وقتی داشتم از خیابان رد می‌شدم پایش را گذاشت روی گاز و بهم نزدیک شد. چند قدم مانده بود بهم بزند که محکم زد روی ترمز و بعد بلند خندید و رد شد.»

و...

باومن^۱ معتقد است که نمایش قدرت و تأکید بر سلسله‌مراتب قدرت - که قطعاً مردان در رأس آن قرار دارند - از اهداف آزار زنان در فضای عمومی است. این امر در حالی صورت می‌گیرد که مکان آزار زنان یعنی خیابان، اتوبوس، قطارهای مترو، تاکسی، ایستگاه‌ها و... اماکن عمومی محسوب می‌شوند. به نظر باومن، آزارهای

1- Bowman

کرد که آموزش غیررسمی دوران کودکی در خانواده‌ها، رسانه‌ها و نظام آموزش رسمی آن را بازتولید می‌کنند. بازتولید الگوی «غلبه مردانه» در سیستم آموزشی نمی‌تواند امری اتفاقی و تصادفی تلقی شود، بلکه یک «امر مفروض و قطعی» است. به همین دلیل هر چه ظرفیت و قابلیت بیشتری برای بازنمایی تفاوت‌های جنسیتی از طریق افزایش تعداد کل فراوانی‌های مربوط به اسامی و تصاویر مردان و زنان و واژه‌های کلیدی جنس مذکر و مؤنث فراهم می‌آید، الگوی «غلبه مردانه» نیز فرصت می‌یابد تا پررنگ‌تر و برجسته‌تر به نمایش گذاشته شود. الگوهای جنسیتی ناظر بر هژمونی مردانه و تفوق مطلق جنس مذکر اصولاً معطوف به مفروضات و گزاره‌هایی هستند که پیشاپیش پذیرفته شده‌اند و قطعی تلقی می‌شوند و بر اساس آنها نقش‌های جنسیتی متفاوتی برای مردان و زنان در فرهنگ و اقتصاد خانواده و جامعه شکل می‌یابند و چنین باورهایی را از طریق مکانیسم‌های متعدد جامعه‌پذیری، به‌ویژه سیستم‌های آموزشی و رسانه‌ای، در جامعه تقویت و نهادینه می‌کنند (فروتن، ۱۳۹۴: ۱۵۳).

بنابراین، آنچه حضور مردان را بیرون از فضای خصوصی و در اماکن عمومی توجیه می‌کند و آزار خیابانی را به‌ظاهر طبیعی می‌داند، برگرفته از رویکرد هژمونی مردانه در فضای عمومی است که در روند جامعه‌پذیری ما در خانواده و مدرسه شکل گرفته و درونی شده است. باومن در تحقیقات خود به این نتیجه رسید که آزارگران خیابانی موجودات عجیب‌وغریبی نیستند. نمی‌توان مردان قشر خاصی را به‌عنوان آزارگر معرفی کرد، اما می‌توان مطمئن بود که مردان آزارگر غالباً از کسانی هستند که بیشتر در خیابان حضور دارند و به‌دلیل حرفه و کارشان بیشتر عرصه عمومی را قلمرو خود می‌دانند. بنابراین سن، تحصیلات و درآمد تأثیری بر آزارگر شدن مردان ندارد. در عین حال، جوان‌ترها به‌دلیل داشتن روحیه خشن‌تر بیشتر به آزار زنان می‌پردازند. باومن در گفت‌وگو با برخی از این مردان به این نتیجه می‌رسد که بیشتر آنان آزار کلامی و لمس زنان و ایجاد مزاحمت برای آنان را نوعی تفریح و شوخی می‌دانند که البته این

خیابانی در بسیاری موارد برای ارضای لذت جنسی مردان صورت نمی‌گیرد، بلکه هدف تعرض و ورود با اجبار و زور به حریم زنان است. مردان آزارگر تلاش می‌کنند با تحقیر زنان به این ادعا جامه عمل بپوشانند که زنان به‌راحتی به چنگ می‌آیند (Bowman, 1993:536).

به عقیده فمینیست‌ها، آزار جنسی زنان در فضای عمومی را به قول میشل فوکو می‌توان به قدرت مویرگی^۱ مردان بر زنان تعبیر کرد که در ظریف‌ترین رگ‌های سیستم اجتماعی رسوخ می‌کند. فمینیست‌ها در تحلیل‌های خود قدرت را حتی از این هم عمیق‌تر می‌بینند. در نظامی اجتماعی که فرد را در ارتباط با جنسیتش می‌شناسد هیچ زنی نمی‌تواند از معنای زن بودن خود رهایی یابد (MacKinnon, 1987:38). فمینیست‌ها هرچند کمتر به‌طور مستقیم به تبیین آزارهای خیابانی می‌پردازند ولی به‌دلیل رویکرد سلطه‌نگرشان، در انتقاد از تعلق زن به حوزه خصوصی، ریشه این آزارها را اصرار لیبرال‌ها به طبیعی دانستن ریاست مرد بر خانواده و تعلق زن به فضای عمومی می‌دانند. آنها این را که مرد به‌دلیل داشتن قدرت بدنی بیشتر به فضای عمومی تعلق دارد و زن، برعکس، متعلق به حوزه خصوصی است، رد می‌کنند و می‌گویند: عدالت باید در حوزه عمومی نیز اجرا شود (منسبرج و همکاران، ۱۳۸۷: ۷۴).

آذر الف. که ۲۹ساله و مهندس است درباره مواجهه با آزارگر خیابانی این‌طور توضیح می‌دهد:

«حدود دو سال قبل، یک شب به‌دلیل تاریکی هوا و برای اینکه سریع‌تر به منزل برسم، مجبور شدم سواری دربست بگیرم. وسط راه، راننده پیشنهاد داد که به خانه‌اش بروم. خیلی اصرار کرد و در آخر متوسل به تهدید شد. با چاقویی که در کیفم داشتم از خودم دفاع کردم و توانستم فرار کنم و به کلانتری بروم. همان شب راننده دستگیر شد. توجیهش برای کارش جالب بود: می‌خواستم سربه‌سرش بگذارم!»

بر اساس برخی پژوهش‌ها در کشورمان، علت هژمونی مردان را باید در جامعه‌پذیری جنسیتی‌مان جست‌وجو

کار با گرفتن نشانه‌های مثبت از سوی مردان اطراف تقویت می‌شود (Bowman, 1993:531).

گیدنز نیز معتقد است که تجاوز جنسی آشکارا با مردانگی، قدرت، سلطه و نیرومندی ارتباط دارد و اکثراً نتیجه میل جنسی لبریزشونده نیست، بلکه نتیجه پیوند میان تمایل جنسی و احساس قدرت و برتری است که به‌نظر می‌رسد ارتباط چندانی با شهوت ندارد. بخش قابل توجهی از تجاوزگران فقط هنگامی از نظر جنسی تحریک می‌شوند که قربانی دچار وحشت و احساس خفت شده باشد. پس خود عمل جنسی اهمیت کمتری دارد و هدف از آن خوار کردن زنان است (گیدنز، ۱۳۸۵:۲۰۳). در واقع، بسیاری از آزارهای خیابانی ناشی از تثبیت قدرت مردانه در فضای عمومی است. البته نمی‌توان از ساختار کلان‌شهرها که عامل تشدید این سلطه مردانه است به‌سادگی گذشت. ساختار فیزیکی کلان‌شهرها به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه به گونه‌ای طراحی شده که از یک سو بر وخامت احساس ناامنی ذهنی و عینی زنان می‌افزاید و از سوی دیگر برتری‌جویی جنس مذکر را تثبیت می‌کند.

۳- کالبد شهرها و تشدید سلطه مردانه

ناامنی زنان در شهرها معمولاً دو وجه عینی و ذهنی دارد و همیشه به‌عنوان مسئله‌ای اجتماعی و به‌خصوص مسئله زنان مطرح بوده است، زیرا جنسیت و ویژگی‌های بیولوژیک معطوف به معانی و احساسی متفاوت از امنیت است. زنان به‌دلیل داشتن بدن زنانه همواره مورد آزارهای کلامی، خشونت، تجاوز و تعدی مردان قرار می‌گیرند (اباذری و صادقی، ۱۳۸۷:۷۵). اما نمی‌توان تمام ناامنی‌های زنان را به حساب بیولوژیک آنان گذاشت. همان‌طور که اشاره شد، ساختار کلان‌شهرها متناسب با این بیولوژی نیست. بر این اساس، فضای شهری زمانی برای زنان آزاردهنده است که وجود ناامنی ذهنی و عینی و نشانه‌های بی‌نظمی در هر دو بُعد کالبد شهرها و عوامل اجتماعی و فرهنگی به‌طور توأمان مورد توجه قرار گیرد.

تحقیقات نشان می‌دهد که زنان و مردان ادراکات و استفاده‌های متفاوتی از فضاهای عمومی دارند و طراحان

شهری باید به این تفاوت‌ها توجه کنند. توجه به بدن زنان و خطراتی که آنان را تهدید می‌کند کمتر در طراحی‌های شهری مورد توجه قرار می‌گیرد. در ایران، با وجود جداسازی برخی اماکن مانند اتوبوس‌ها و واگن‌ها، این اماکن هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارند و زنان محکوم به استفاده از شرایط و ابزارهای هستند که برای مردان تهیه و تدارک دیده شده است. بر اساس نتایج یک پژوهش با عنوان «بررسی و ارزیابی امنیت اجتماعی زنان در پارک‌های عمومی»، امنیت زنان در طراحی بوستان‌های عمومی شهر نادیده گرفته می‌شود و این بوستان‌ها کمکی به آرامش روحی زنان نمی‌کنند (رضازاده و علیزاده، ۱۳۹۵:۱۱۶).

گفت‌وگو با ۱۵ زن در پژوهش حاضر نشان می‌دهد که سن، تحصیلات، شغل و درآمد هیچ تأثیری بر مصادیق ناامنی شهری از نگاه این زنان ندارد. مصاحبه‌شوندگان موارد زیر را موجب ناامنی در شهر تهران می‌دانند:

- پل‌های عابر پیاده، وجود پله‌های زیاد و نبود پله‌برقی
- پله‌برقی‌های خراب پل‌های عابر پیاده، تاریکی آنها در شب و خرابی چراغ‌های پل، نصب تابلوهای تبلیغاتی روی پل‌های عابر و دیده نشدن داخل آنها
- نیمکت‌های خراب بوستان‌ها و خاموش شدن چراغ‌های پارک‌ها هنگامی که مردم در آنها حضور دارند

- پیاده‌روه‌های باریک و اجبار برای عبور از معابر تنگ
- پیاده‌راه‌های ناهموار و باریک

- تعطیلی زود هنگام کار تاکسی‌های خطی و نبود خودرو امن برای تردد در ساعات انتهایی شب

- نبود اتوبوس‌های بی‌آرتی و غیر آن در ساعاتی از روز
- کمبود واگن‌های مخصوص زنان و ازدحام جمعیت در این واگن‌ها و احساس ناامنی روانی برای حضور در واگن‌های مردان

- تردد ارادل و اوباش در شهر، به‌خصوص در برخی محلات جنوب تهران

- وجود کارتن‌خواب‌ها و معتادان روی پل‌های عابر پیاده و تردد آنها در بوستان‌ها و میدانی شهر

- نبود سرویس‌های بهداشتی برای زنان در شهری

غیربهداشتی بودن آنها

- نبود گشت‌های امنیتی در ساعات تاریک شهر برای

حمایت ویژه از زنان

- خرابی روشنایی بسیاری از کوچه‌ها و معابر و تاریکی

بزرگراه‌ها

- وجود بی‌ضابطه مسافرکش‌ها در ش‌هر بدون نظارت

نیروی انتظامی و شهرداری

۴- پیامدهای آزار خیابانی برای زنان

مک‌کینون^۱ بر این باور است که در جوامعی که مردان

بر زنان سلطه دارند هر گونه تفاوت جنسیتی از پیش

به معنای تسلط مرد بر زن است. او می‌نویسد: «در

جایی که تفاوت معنای تسلط را دارد، همچنان که در

مورد جنسیت این‌طور است، تأیید تفاوت‌ها از سوی

زنان به‌مثابه تأیید عجز و ناتوانی و ویژگی‌های ناشی

از آن است» (به نقل از منسبریج و همکاران، ۱۳۸۷: ۳۹).

امروزه اکثر فضاهای شهری ماهیتی جنسی شده

یافته‌اند، یعنی عملاً فضای شهری در برابر تحرک

آزادانه زنان اعمال محدودیت می‌کند. زنان و بسیاری

از اقشار و گروه‌های اجتماعی نه‌تنها از حق طبیعی خود

(بهره‌مندی از فضاهای عمومی شهر) محروم‌اند، بلکه

از سهیم شدن در این‌گونه فضاها و فرایند مشارکت و

فعالیت‌های اجتماعی نیز بازمی‌مانند. یکی از مسائلی

که در فضاهای جنسیتی شده وجود دارد احساس ناامنی

زنان در این فضاهاست (پورا احمد و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۶).

فردی که در درازمدت ناامنی را تجربه می‌کند به

قول مزلو (۱۹۷۰) گویا سوخت‌وساز بدنش دائم در

حال به‌هم‌ریختگی است و این فرد دیر یا زود به

بیماری‌های جدی‌تری مبتلا می‌شود. کارن هورنای

(۱۹۳۷) نیز ناامنی را عامل عدم تعادل فرد می‌داند که

ممکن است به روان‌نژندی منتهی شود که با پرخاشگری

و اضطراب و استرس واکنش نشان می‌دهد (نوربخش

مقدم، بی‌تا). احساس ناامنی علاوه بر زنان می‌تواند

امنیت شهر را نیز با خدشه روبه‌رو کند.

از منظر فردی، آزارهای جنسی و خیابانی هتک حرمت

به زنانی است که در شهر تردد می‌کنند. مزاحمت برای

زنان نشان‌دهنده ابژه جنسی دیدن آنان است و ورود به

حریم شخصی زنان محسوب می‌شود. از این رو، زنان

بیشتر از آزارگران احساس شرم و گناه می‌کنند، چون

حمایتی از قربانیان آزار خیابانی وجود ندارد. از طرفی،

تکرار آزارهای خیابانی به تشدید این کلیشه ذهنی

منجر می‌شود که زنان موجوداتی ضعیف و آسیب‌پذیرند.

چنین دیدگاهی را حتی خود زنان و برنامه‌ریزان اجتماعی

و شهری چنان باور می‌کنند که نتیجه‌اش تصمیماتی

مانند خانه‌نشینی زنان و وارد نشدن به فضای عمومی

است (Bowman, 1993: 535).

باومن تأکید می‌کند که یکی از بدترین آثار آزار خیابانی

آشفتگی در روابط بین دو جنس و بدبین کردن زنان به

مردان است. مرجان ۲۶ساله یکی از مصاحبه‌شونده‌هاست

که خاطره بدی از آزارهای خیابانی دارد:

«سال اول دانشگاه بودم که یک روز کلاسمان

دیرتر تمام شد و من مجبور شدم در تاریکی

هوا به خانه برگردم. مسیری را پیاده رفتم تا به

ایستگاه تاکسی‌های خطی برسم. خیابان چندان

خلوت نبود و من فکر نمی‌کردم اتفاقی برایم

بیفتد. برای اینکه ماشین بهم نزنند به پیاده‌رو

باریک کنار خیابان رفتم. چند قدم نرفته بودم

که یک نفر از پشت دستش را دور سینه‌ام حلقه

کرد و محکم فشار داد. نفسم بند آمده بود.

جیغ کوتاهی زدم که فکر کنم کسی نشنید.

مرا محکم به سمت دیوار هل داد که با بینی

به دیوار خوردم و... همه چیز آن‌قدر سریع اتفاق

افتاد که نتوانستم هیچ واکنشی نشان بدهم. مرد

سریع دور شد، در حالی که چند فحش رکیک

حواله‌ام کرد... از آن روز اصلاً از پیاده‌رو تردد

نمی‌کنم. هر مردی حتی در دانشگاه به من

نزدیک می‌شود، می‌خواهم فرار کنم. دوست

ندارم حتی با هم‌کلاس‌های پسر حرف بزنم،

حس می‌کنم همه‌شان بیمار جنسی هستند.»

آزارهای خیابانی که معمولاً موجب به‌هم‌ریختگی

روحی زنان و کاهش اعتمادبه‌نفس آنان می‌شود

نه‌تنها مهم‌ترین عامل در بی‌اعتمادی زنان نسبت

1- MacKinnon

به مردان است، بلکه به تدریج به کناره‌گیری زنان از فعالیت‌های اجتماعی منجر می‌شود. با وجود این، ارتباط بین تأثیر ابعاد فیزیکی و روانی فضای شهری بر زنان کمی پیچیده است. «تهاجم نامرئی» یکی از علل هراسان بودن زنان در خیابان‌هایی است که آزار و مزاحمت در آن دیده می‌شود. آنان احساس مورد حمله قرار گرفتن را همواره با خود دارند. هراس از وقوع جرم بر هویت فضا تأثیر می‌گذارد و فضا هم بر ایجاد ترس تأثیر دارد. ترس از جرم باعث تغییر حالات و حرکات زنان می‌شود و حرکات آنان را محدود می‌کند، به طوری که مجبور می‌شوند به دلیل ترس و بدبینی کمتر در جمع مردان ظاهر شوند. بنابراین، فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی آنان کاهش می‌یابد و وابستگی به مردان بیشتر می‌شود و کلیشه‌های جنسیتی تقویت می‌شود (ضابطیان و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۱۵).

۵- آزار خیابانی در سکوت یا خلاً قوانین؟

آزار خیابانی زنان از جمله جرایمی است که سطح آن از شوخی‌های رکیک کلامی تا تجاوز به عنف متفاوت است. گذشته از جرایمی مانند تجاوز جنسی که بیشتر نمود خارجی دارد و با مجازات‌های صریح قانونی مانند حد و اعدام روبه‌روست، بسیاری از آزارهای خیابانی کمتر به مراجع قضایی گزارش می‌شوند و زنان قربانی تمایل شدیدی به پنهان کردن آنها دارند. البته آنان حتی در صورت شکایت نیز کمتر به نتیجه می‌رسند. قوانین موجود ضمانت اجرایی لازم را ندارند و اطالۀ دادرسی‌ها زنان را از پیگیری این نوع جرایم منصرف می‌کند. فمینیست‌ها از اینکه حقوق کشورها به راحتی از آزار خیابانی زنان چشم‌پوشی می‌کند و آزارگران هیچ‌وقت مجبور به جبران خسارت نمی‌شوند، انتقاد می‌کنند. در آمریکا از سال ۱۹۶۴ موضوع آزار جنسی به ادبیات حقوقی این کشور وارد شد که البته زیرمجموعه تبعیض‌های جنسی قرار گرفت. از نظر آنان اغماض قانون‌گذار موجب رواج بیشتر آزارها شده است، چراکه قانون‌گذاران و مجریان آن نیز همگی مرد هستند و قوانین برگرفته از تجربیات مردانه است. به همین دلیل برای مسئله

زنانه آزار خیابانی نیز راهکار حقوقی اندیشیده نشده است (West, 1989: 108).

این مسئله در کشورهایی با ساختار اجتماعی سنتی تشدید می‌شود و زنان بیش از آنکه به گزارش آزارهای جنسی تمایل داشته باشند، به ترک مکان آزار مبادرت می‌کنند. چنین اقدامی در تشدید جسارت بزهکار برای تکرار آزار جنسی زنان بی‌تأثیر نیست. از سوی دیگر، بسیاری از بزهکاران، به دلیل بی‌اطلاعی از پیامدهای آزارشان بر زنان، رفتار خود را در زمره آزار خیابانی نمی‌دانند.

بنابراین، آزار جنسی از یک سو پیامدهای ناگواری برای بزه‌دیده دارد که پنهان کردن آن عاملی برای تکرار جرم است و از سوی دیگر بسیاری از بزهکاران از مصداق جرم بودن عمل خود بی‌اطلاع‌اند و در محاکم قضایی نیز آن را انکار می‌کنند. همچنین نبود قوانین بازدارنده در کشور ما، بیش از سایر نقاط دنیا، به اغفال از این جرم دامن زده است. بر اساس ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی «هر کس در اماکن عمومی یا معابر متعرض یا مزاحم اطفال یا زنان بشود یا با الفاظ و حرکات مخالف شئون و حیثیت به آنان توهین نماید به حبس از دو تا شش ماه و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد». این ماده تنها ماده قانونی در ایران است که از جرم‌انگاری آزار خیابانی حکایت می‌کند. به همین دلیل استفاده از رویکرد حقوقی عدالت ترمیمی در برابر آزار جنسی، که نه انتقامی بلکه جبران آسیب واردشده بر بزه‌دیده و تلاش برای جبران خسارت از سوی بزهکار است و نیز استفاده از حلقه‌های دوستان و گروه‌های محلی برای کسب اطلاعات از بزه‌دیدگان و کاهش تأثیرات روانی نامطلوب آزارها بر زنان و همچنین مذاکره قربانی و آزارگر می‌تواند در پیشگیری از جرم و به‌خصوص آگاهی بزهکار و جلوگیری از تکرار بزه مفید باشد.

۶- جمع‌بندی

- آزارهای خیابانی مسئله‌ای جهانی است که علل بومی متفاوتی نیز دارد و کشورها بنا بر همین مقتضیات بومی به ارائه راهکارهای بازدارنده می‌پردازند، مانند آموزش و فرهنگ‌سازی برای رعایت حرمت انسانی افراد، فارغ از اینکه چه جنسیتی داشته باشند، ورود مباحث عدالت جنسیتی به کتاب‌های آموزشی، تولید محتوای رسانه‌ای برای تقبیح آزار خیابانی زنان، حضور مستمر پلیس برای تأمین امنیت زنان، مشارکت زنان و تشکل‌های مردمی برای طراحی و برنامه‌ریزی راه‌های پیشگیری از آزارهای خیابانی و همچنین رسیدگی سریع و بدون نوبت به پرونده‌های شکایت از آزارگران خیابانی.
- یکی از اصول برنامه‌های پیشگیری از آزارهای خیابانی و تأمین امنیت در شهرهای پیشرفته دنیا استفاده از ظرفیت‌های زنان برای کاهش آسیب‌هاست. بر این اساس، در سیاست‌های کلان شهری بر توانمندسازی زنان تأکید می‌شود. توانمندسازی زنان از ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جریانی است مشتمل بر آگاه‌سازی اجتماعات به منظور شناخت وضعیت موجود، حذف محدودیت‌ها و موانع و نیز بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و منابع موجود برای مدیریت مؤثر در بهبود شرایط زندگی زنان و دختران توانمند در بهره‌گیری از توانایی‌های فردی، به‌خصوص در مواقع بحران، سریع‌تر و موفق‌تر عمل می‌کنند. راه تعدیل هژمونی مردانه در فضاهای عمومی افزایش مطالبه زنان برای حضور در جامعه است. در این راه، علاوه بر رفع موانع قانونی که هنوز زنان را از ورود به بسیاری مکان‌ها و فعالیت‌ها منع می‌کند، تشکل‌سازی زنان توانمند و همراهی بسیاری از نخبگان و نهادهای مردمی برای آموزش و فرهنگ‌سازی، پیشگیری و بازدارندگی از آزارهای جنسی و خیابانی الزامی است. در این صورت می‌توان امیدوار بود که رتبه ایران در شاخص جهانی شکاف جنسیتی بهبود یابد و از رتبه ۱۴۰ در میان ۱۴۴ کشور دنیا به جایگاهی درخور ارتقا پیدا کند.
- منابع:
- اباذری، یوسفعلی، سهیلا صادقی فسایی، و نفیسه حیدری. (۱۳۸۷). «احساس ناامنی زنان در تجربه زنانۀ زندگی روزمره». زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان) ۶ (۱): ۷۵-۱۰۳.
 - باشگاه خبرنگاران جوان (۱۹ دی ۱۳۹۶). وقوع یک‌سوم جرایم و تخلفات کل کشور در پایتخت، در گفت‌وگو با رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح استان تهران. بازیابی در: <https://www.yjc.ir/fa/news/6393306> / وقوع یک-سوم جرایم و تخلفات کل کشور در پایتخت
 - پوراحمد، احمد، محمود آروین، و نگار رحیم‌پور. (۱۳۹۶). «ارزیابی احساس امنیت زنان در فضاهای شهری». مطالعات شهری ۵۳: ۲۳-۶۸
 - رضازاده، زهرا، و پریا علیزاده. (۱۳۹۵). «بررسی و ارزیابی امنیت اجتماعی زنان در پارک‌های عمومی». در: چکیده‌مقالات زنان و زندگی شهری. ج ۱. تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.
 - روح‌الامین، نرگس‌السادات، و شهید شاطری پوراصفهان‌ی. (۱۳۸۴). «جزوه جرم‌شناسی، بزهکاری زنان و روسپیگری». دانشگاه امام صادق و دانشگاه مفید قم.
 - روزنامه شهروند. (۲ بهمن ۱۳۹۶). «دایرة بزرگ خشونت». به نقل از سعید مدنی. ش ۱۳۲۷. بازیابی در: <http://shahrvand-newspaper.ir/News/NoMobile/Main/124499> / دایره بزرگ خشونت. (آخرین بازیابی: ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۷).
 - ضابطیان، الهام، محمدرضا بمانیان، و مجتبی رفیعیان. (۱۳۸۹). «بررسی الگوی برنامه‌ریزی کاربری فضای شهری مؤثر بر افزایش امنیت زنان (نمونه موردی بخش مرکزی شهر تهران)». علوم اجتماعی ۴۸: ۱۰۷-۱۴۷.
 - فخری، آذر. (۱۳۹۶). «افزایش مزاحمت‌های خیابانی و هزینه‌های اجتماعی - روانی». سرمقاله روزنامه آفرینش. (۲۶ بهمن). بازیابی در: <http://afarineshdaily.ir/afarinesh/News.aspx?NID=195085>
 - فروتن، یعقوب. (۱۳۹۴). «هژمونی مردانه جامعه‌پذیری در ایران». مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی ۳(۴): ۱۳۳-۱۵۵.
 - فرهنگ، بنوشه و سیدمحمدرضا اعتصامی. (۱۳۹۵). «تأثیر طراحی شهری بر تأمین امنیت زنان در فضاهای عمومی (بررسی سه نمونه فضای شهری در شهر تهران)». در: چکیده‌مقالات نخستین همایش بین‌المللی زنان و زندگی شهری. ج ۲. تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.
 - قاضی‌نژاد، مریم. (۱۳۹۴). «جنسیت، امنیت و فضا (زنان، جرم و امنیت در شهر تهران)». در: مجموعه‌مقالات زنان و زندگی شهری. کتاب پنجم، زنان و مسائل اجتماعی. تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.
 - قرایی، فریبا، نفیسه رادجهانی، و نازیلا رشیدیپور. (۱۳۸۹). «بررسی و سنجش حس امنیت در مناطق مختلف شهری

- Bowman, C. G. (1993). "Street Harassment and the Informal Ghettoization of Women". *Harvard Law Review* 106 (3): 517-580.
- Mackinnon, C. (1987). *Feminism Unmodified: Discourses on Life and Law*. Massachusetts: Harvard University Press.
- Paludi, M.A., and R. Barickman. (1991). *Academic and Workplace Sexual Harassment*. New York: State University of New York Press.
- West, R. (1989). "Pornography as a legal text". In S. Gubar, and J. Hoof (eds.). *The Dilemma Of Violent Pornography* (For Adult use only). Bloomington: India University Press.
- (نمونه موردی مناطق ۲ و ۱۱ تهران) «معماری و شهرسازی آرمان شهر ۳ (۴): ۱۷-۳۳.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۵). *جامعه‌شناسی*. ترجمه منوچهر صبوری. چ ۱۸، تهران: نشر نی.
- منسبریچ، جین، سوزان مولر اوکین، و ویل کیملیا. (۱۳۸۷). *دو جستار درباره فلسفه سیاسی فمینیسم*. ترجمه نیلوفر مهدیان. تهران: نشر نی.
- نوربخش مقدم، علیرضا. (بی تا). *نظریه‌های امنیت روانی*. سایت دانشنامه روانشناسی مردمی. بازیابی در: <https://pub-lic-psychology.ir/1396/08/theories-psycho-security> (آخرین بازیابی: ۲۹ اسفند ۱۳۹۶).

Male Domination and Women's Street Harassments

Katayoun Mesri

Street harassment is increasing according to official statistics. Review of headlines in 160 pages of "Iran", "Etemaad" and "Jaame jam" newspapers in two years of 1395/2016 and 1396/2017 shows that street harassment has approximately risen 12 percent. Male hegemony is the main cause of street harassment in urban spaces, which affects women's quality of life, the most important of which is feeling insecure. The purpose of present article is to explain causes and consequences of street harassments within an analytical and descriptive approach. Documents are reviewed and data collected through interviews with 15 women aged 22 to 50 years

Studies report that childhood education, reference groups' activities, abusers' socialization and family are effective in nurturing this behavior. From Feminism point of view, women in patriarchal systems are considered "others" and this attitude can charge street harassments against females. Abuses are rooted in public culture and male dominated societies, while in mega

cities due to the multiplicity of subcultures and concealment of the abusers' identity, more harassments are observed. In addition, structure of cities such as Tehran has escalated male domination and deterioration of women's security. In summary street harassment, not only lead to women's fear and pessimism, but also can be a factor in reduction of their social participation and destruction of gender identity. It seems sexual harassment in public space is a function of male domination in private sphere.

Key words

Street Harassment, Male Domination, Gender, Quality of life